

بسم الله الرحمن الرحيم

با همه تلاشی که فقهاء عظام و حقوقدانان اسلام برای شناخت حقوق مسلمین و تکالیف آنان به عمل آورده‌اند نظریه وسعت دامنه کار هنوز نکات بسیاری ناگفته مانده است. و این امر دلیل روشنی است بر اینکه در اسلام «منشاء حق» خداست نه قوانین موضوعه بشری. زیرا قوانین موضوعه همچون مخلوقات زنده که عمر معینی دارند توسط قوه مقننه یا هیأت حاکمه خلق می‌شود و پس از چندی که ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد نسخ گشته و می‌میرد. ولی حقی که بوسیله خداوند شناخته شود، چون ضامن اجرای آن هم خود اوست، قانون غیرقابل تغییر و تبدیل جهان هستی می‌گردد، زیرا:

لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر - ۴۳).

هرگز برای سنت و روش خداوند تغییری نیابی و هرگز برای سنت و قانون الهی دگرگونی

نیابی.

از جمله حقوقی که کمتر مورد بحث و تجزیه و تحلیل علمی قرار گرفته «حقوق افعال» است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در «رساله حقوق» خود به آنها تصریح فرموده است. و ما در این مقاله دوازدهمین حق را که به «حق صدقه» اختصاص دارد از این رساله عظیم الشرف انتخاب کرده‌ایم که به شرح آن بپردازیم، و در مقدمه این مقال مذکور می‌شویم که مقصود ما بیان میزان اجر و پاداش صدقه دهنده در پیشگاه خدا نیست، بلکه منظور ما، ذکر آثار حقوقی این حق می‌باشد و اینکه آیا صدقه از عبادات است یا از معاملات؟ در ردیف عقود چون هبه و وقف قرار دارد یا نه؟ و قبل از همه به نقل ترجمه سخن امام سجاد (ع) از کتاب تحف العقول^۱ بپردازیم.

و اما حق صدقه اینست که بدانی این صدقه پس انداز تو نزد پروردگارت می‌باشد و امانتی است از تو که نیاز بگواه ندارد و چون بدین عقیده منشوی بدانچه در نهانی بسیاری بیشتر اعتماد داری تا به آنچه آشکار باشد و تو را سزد که بخدا نهانی بسیاری هر چه را خواهی عیان کنی، و این راز میان تو و او باشد در هر حال، و در آنچه به او بسیاری از گواهی گوشها و دیده‌ها بر علیه او پشتیبانی نخواهی، به حساب اینکه به اینها بیشتر اعتماد داری نه به حساب اینکه در پرداخت سپرده به خدا اعتماد نداری. سپس به صدقه خود بر احدی منت منه زیرا که آن برای تو است، و اگر بدان منت نهی در امان نیستی که بروز همان کسی گرفتار شوی که بدو منت نهادی، زیرا این خود دلیل است که تو آنرا برای خود نخواستی و اگر برای خود می‌خواستی بر احدی بدان منت نمی‌نهادی. و لا قوة الا بالله.

در این بیان زیبا و شیوای امام سجاد (ع) توجهی به آیات قرآن کریم بوده که قبل از شرح، لازم میدانیم بیرخی از آنها اشاره شود.

الَّذِينَ يَتَّقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَّا انْفَقُوا سِنًا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يَبْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

از تحف العقول تالیف ابی محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی از علمای قرن چهارم هجری است (این کتاب بوسیله کتابفروشی اسلامیة در شعبان ۱۳۸۴ هجری چاپ و با ترجمه فارسی منتشر شده است).

حق
صدقه

ان تبدوا الصدقات فنما هي و ان تخفوها و توتوها الفقراء فهو خير لكم و يكثر عنكم
من سيئاتكم والله بما تعملون خبير

(بقره - ۲۷۱)

آنانکه مال خود را در راه خدا انفاق میکنند و بدنبال آنچه داده‌اند نه منتی میگزینند و نه آزاری میسرانند برای ایشان است پاداششان نزد پروردگارشان ، و نه بیعی دارند . نه غمناک میشوند . گفتاری نیکو و گذشتی بهتر از دادن مالی است که دنبال آن آزاری باشد و خدا بی‌نیاز و بردبار است . ای کسانیکه ایمان آورده‌اید صدقات خود را با منت و آزار باطل نکنید مانند آنکه مالش را برای خودنمایی ب مردم انفاق میکنند و بخدا و روز واپسین ایمان ندارد ...

اگر صدقات را آشکار کنید چه خوب است و اگر پنهان کنید و به نیازمندان دهید برابتان بهتر است و از کارهای بدتان جبران نماید و خدا به آنچه میکنید آگاه است .

از آیات قرآن و سخن امام علی بن الحسین (ع) معلوم میشود که صدقه باید « فی سبیل الله » و در راه خدا باشد یعنی مالی به قصد قربت و نزدیک شدن به خداوند به نیازمند داده شود . بهمین جهت هم در کتب فقهی و لغت ، صدقه را بشرح زیر معنی کرده‌اند : صدقه مالی است که به قصد قربت در راه خدا به فقیر یا غنی دهند ، واجب باشد مانند زکوة و کفارات یا مستحب ، پس صدقه دو نوع است :

- ۱- واجب مانند زکوة که خداوند در این باره میفرماید خذ من اموالهم صدقة (توبه - ۱۰۳) یعنی : از اموالشان زکوة بگیر .
- ۲- غیر واجب یا مستحب .

در اینکه صدقه واجب مانند زکوة عقد نیست بلکه جزء عبادات است شکی نیست زیرا زکوة در زمره نماز و روزه بیان شده و در ردیف تکالیف مسلمان نسبت به خدا قید گشته ولی میخواهیم ببینیم آیا صدقه مستحب نیز تکلیف است و در زمره عبادات میباشد یا عقود و معاملات ؟

برای یافتن پاسخ درست ابتداء به قرآن رجوع میکنیم . خداوند در آیه ۱۰۴ سوره توبه میفرماید :

الم يعلموا ان الله هو يقبل التوبة عن عباده و ياخذ الصدقات و ان الله هو التواب الرحيم
آیا مؤمنان ندانسته‌اند که فقط خداوند توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقه آنها را قبول میکند ؟ و البته خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است .

این آیه صراحت دارد که خداوند است که صدقه را می‌پذیرد و در اینجا هم صدقه عمومیت دارد و به واجب و مستحب یکسان اطلاق میشود پس صدقه مالی است که خدا آنرا میگیرد ، هرچند به بنده نیازمند او تسلیم شود ، و به اعتبار دیگر در این معامله یک طرف صدقه دهنده است و طرف دیگر خداوند است که پاداش فراوان به بنده نیکوکارش می‌بخشد و از همین جهت است که صدقه اگر « قربة الی الله » نباشد صدقه محسوب نمیشود .

از سخن امام سجاد (ع) نیز فهمیده میشود که صدقه به واجب و مستحب تجزیه نشده بلکه آنچه را حضرت بیان فرموده ظهور در صدقه مستحبی دارد زیرا بیشتر بر پنهان کردن صدقه تأکید فرموده در حالیکه پرداخت زکوة به مأمورین مالیات غالباً آشکارا انجام میشود . از طرفی هیچیک از فقهاء نگفته‌اند که صدقه مستحبی نباید به قصد قربت پرداخت گردد بلکه شرط عمده صدقه را « قصد قربت » ذکر کرده‌اند و اصولاً صدقه را از آن جهت به این

- ناه خوانده‌اند که بنده برمیله آن صدق عبودیتش را به خداوند اظهار میکنند!
- اکثون بازگردیم بسعفن امام زین العابدین علیه السلام که حاوی نکات بسیار زیبایی است.
- امام (ع) برای صدقه خواصی را برشمرده که در زیر می‌آوریم:
- ۱- صدقه پس‌انداز انسان در پیشگاه خداست.
 - ۲- امانتی است که نیاز بگواه ندارد.
 - ۳- وقتی آدمی معتقد شود که صدقه پس‌انداز خود اوست و برای امانتی که بخداوند می‌سپارد گرفتن شاهد ضروری نیست، صدقه را در پنهان به مستحقان می‌رساند، تا نیازمند، نزد دیگران سرافکنده و شرمسار نگردد و جز صدقه دهنده کسی از این کمک بلاعوض آگاه نشود.
 - ۴- صدقه سبب میشود که انسان اعتمادش به خداوند زیادتر گردد.
 - ۵- صدقه برای خود انسان است نه برای صدقه گیرنده، زیرا سود بیشتر و پاداش فراوان خدا در ابتدا متوجه خود صدقه دهنده میگردد.
 - ۶- چون صدقه برای خود صدقه دهنده است جای منت‌گزاردن و آزار کردن نیست.
 - ۷- کسی که با دادن صدقه منت نهاد معلوم میشود صدقه را برای خود نداده و قصد قربت نداشته و نزدیک شدن به خداوند را اراده نکرده و در نتیجه صدقه‌اش باطل است (لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی) و اما مهمترین نکته‌ای که امام سجاد (ع) به آن تصریح فرموده و باید مورد مطالعه و بررسی دقیقتر قرار گیرد « حق صدقه » است.

حق صدقه چیست!

از بیان امام چهارم (ع) به روشنی استنباط میشود که در صدقه، صاحب حق خود صدقه میباشد نه صدقه دهنده، با این ترتیب صدقه دهنده در مقابل ذیحق (صدقه)، مکلف محسوب میشود و چون مکلف باید شرایط تکلیف را بجای آورد و در اینجا شرط مهم « قربة الی الله بودن » فعل و پس از آن پنهان نگاهداشتن صدقه و اگر ممکن نباشد یا فریبت دادن صدقه ایجاب کند علنی کردن آنست، لذا حقی برای صدقه دهنده باقی نمی‌ماند تا مثلاً منت گذارد و یا با تحقیر طرف و خود بزرگ‌بینی و امثال آن به صدقه‌گیرنده آزار رساند.

نکته دیگری که امام (ع) به آن تصریح فرموده اینست که صدقه « برای خود » انسان است و جهتش را نیز ذکر فرموده و آن ودیعه نهادن و امانت گذاشتن صدقه نزد خداوند است. بیجاست که در اینجا قسمتی از عین کلام مولا امام زین العابدین (ع) را نقل کنیم که فرموده است:

واما حق الصدقة فان تعلم انها ذخرك عند ربك و ودیعتك التي لا تحتاج الی الاشهاد

بنابراین وقتی صدقه دهنده مال مورد بخشش را نزد خداوند ذخیره میکند و آنرا به امانت مینهد حق مراجعه به صدقه گیرنده را ندارد بهمین جهت هم همه فقهاء و حقوقدانان گفته‌اند وقتی صدقه را صدقه گیرنده قبض کرد، صدقه دهنده دیگر حق رجوع ندارد. زیرا تا وقتی صدقه دهنده نیتش را عملی نکرده هنوز ارکان صدقه تحقق نیافته لذا عدول از نیت، عدول از صدقه دادن محسوب نمیشود ولی همینکه صدقه قبض شد و دیعه نهادن آن نزد خداوند تحقق پیدا میکند و از نظر اعتقادی نزد صدقه گیرنده مالی از صدقه دهنده باقی نماند تا به آن رجوع کند.

۱- صدقه: عطیه یراد بها الصدقة لا المکرمة لان العبد بهایظهر صدق العبودية (اترپ العوارج ۲ ص ۶۴۰)

۲- منت گذاشتن خود نوعی آزار است و تعقیر کردن آزار بزرگتر.

از طرف دیگر امام چهارم (ع) صدقه را « برای خود » معرفی فرموده نه برای دیگران زیرا گفته : **ثم لم تمتن بها علی احد لانها لک** (سپس به صدقه خود بر احدی منت منته ریرا که آن « برای تو » است .)

وقتی چیزی از خود انسان برای خود اوست ، غیر مصداق پیدا نمیکنند و به عبارت دیگر صدقه گیرنده بمنزله خود صدقه دهنده است از اینرو رجوع به او غیر عقلانی است . خلاصه آنکه در صدقه (خواه واجب باشد خواه مستحب) یک حق وجود دارد و یک تکلیف و صاحب حق بنا بر فرموده امام سجاد (ع) خود صدقه است و تکلیف هم به عهده صدقه دهنده میباشد و چون طبق قواعد عمومی و اصول حقوقی مکلف در مورد تکلیفش صاحب حق نیست ، نه حق منت گذاشتن دارد و نه حق رجوع بمال بخشیده شده . ممکن است این پرسش پیش آید که اگر در مورد صدقه واجب ، مانند زکوة ، این استدلال را بپذیریم در مورد صدقه مستحبی این استدلال صحیح نیست زیرا هیچکسی شرعاً مکلف به دادن صدقه مستحبی نشده بلکه هر شخصی مختار است که از مال خود انفاق کند یا نکند و بهر حال اجبار و اکراه در کار نیست .

پاسخی که به این پرسش میدهیم اینست که میگوئیم ما هم معتقدیم در امور مستحبی کسی را نمیتوان مجبور کرد که قریة الی الله کاری انجام دهد ولی اگر خود او با میل و رضاخواست صدقه بدهد تا به خداوند نزدیک شود مکلف است ، همه شرایط صدقه را هم رعایت کند . مثلاً هر کسی میتواند نماز مستحبی بخواند و ثواب ببرد یا آن نماز را بجا نیاورد . فرضاً شخصی وارد مسجدی گردد مختار است که دو رکعت نماز تحیت مسجد بجای آورد و یا اینکه از خواندن چنین نمازی صرفنظر کند ولی وقتی بیای خیزد تا این نماز را بخواند به محض اینکه تکبیر گفت بر او واجب است که تمام شرایط نماز را رعایت کند و اگر چنین نکند کسی خواهد بود که حکم خدا و نماز را به مستخره گرفته است و همچنین است حج و عمره مستحبی و . . .

بنابراین همینکه صدقه دهنده به قصد قربت مالی را از میان اموالش خارج کند همه شرایط « صدقه واجب » بر آن صدقه نیز بار میگردد فقط تنها تفاوت این دو صدقه اینست که صدقه واجب از ابتداء واجب بوده ولی در مستحبی به اختیار بر صدقه دهنده واجب گشته است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

آیا صدقه از عقود است ؟

صاحب شرایع^۱ در باره صدقه میگوید :

واما الصدقة و هی عقد بفتقر الی ایجاب و قبول و قباض

یعنی : صدقه عقدی است که محتاج به ایجاب و قبول و به تصرف دادن است . و صاحب جواهر در این باره نظری خلاف ندیده بلکه فرموده از ظاهر « المبسوط » ، « فقه الراوندی » ، « الفنیه » ، « الکفایه » و « المفاتیح » مستفاد میشود که در این باره اجماع وجود دارد و برخی صریحاً و بعضی ظاهراً این عقد را هم از عقود لازمه به شمار آورده اند . ولی در این عقد لازم الفاظ مخصوص معتبر نیست بلکه جهت لزومش « قریة الی الله » بودن آنست نه جهت عقد بودن ، و صدقه مانند هبه معوضه میباشد . و بعد از ذکر احتمال اعم بودن صدقه

۱ - شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام تألیف فقیه بنام عالم تشیح - نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن شمس الدین ابی یحیی مشهور به محقق حلی است .

اعتقد ، به لحاظ ضرورت صدق آن برابرائی که وسیله تقرب بخدا میشود حدیثی را نقل میکند مبنی بر اینکه امام علی بن الحسین (ع) در پنهانی به فقیران صدقه میداد و بنا بر وجهی بر این امر عقد صادق نمیشد بلکه بعید نیست چنین عملی دفع مال مجاناً برای رضای خدا باشد پس اگر موردش « ابراء » باشد صدقه و ابراء و اگر از موارد هبه باشد هبه و صدقه و اگر موردش وقف باشد وقف و صدقه خواهد بود و اگر در زمره این امور نباشد صدقه محسوب است که از آن جمله است زکاة و کفاره و امثال آن^۱ .

در مبحث هبه که عطای مال بلاعوض به دیگری است گفته اند : هبه بمعنی اعم عبارت از تملیک مالی بدون عوض میباشد که در این معنی ، هبه مترادف با عطیه است که شامل هدیه ، جایزه ، نخله ، صدقه و وقف میگردد و هبه بمعنی اخص همان است که در ماده ۷۹۵ قانون مدنی آمده است :

« هبه عقدی است که بموجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک میکند . . . » آنچه مسلم است صدقه ، با ابراء و وقف شباهت زیادی ندارد و با هدیه و جایزه هم شبیه نیست زیرا هدیه تملیک مالی از مقام پائین تر به مقام بالاتر اجتماعی است و جایزه هم تملیک مالی از طرف کسی به دیگری است که کار تشویق انگیزی انجام داده مانند جوایز مسابقات ورزشی یا علمی و هنری .

نخله را هم مرادف با هبه گرفته اند و آنرا چنین معنی کرده اند : نخله عطائی است که در مقابل ثمن قرار ننگرفته باشد (تفسیر فارسی المیزان ج ۷ ص ۲۸۴) (۲) بهر حال صدقه شباهت زیادی با هبه دارد زیرا نزد کسانی که معتقدند صدقه عقد است ، هبه نیز عقد میباشد ، و نیز در هبه مالی مجاناً بدیگری تملیک میگردد و صدقه هم مجانی و بلاعوض است . اما آنچه صدقه را از هبه متمایز میسازد اینست که در صدقه قصد قربت شرط است و در هبه نیست و آیا همین امر صدقه را ظاهراً از زمره عقود خارج نمیکند و در ردیف عبادات قرار نمیدهد ؟ دلیل بر این ادعا هر چند در بالا بتفصیل بیان شد بشرح زیر است .

۱- صدقه خودش صاحب حق است و صدقه دهنده مکلف ، و وقتی مکلف ، حق صاحب حق را ادا کرد موضوعی برای بحث باقی نمی ماند و چون صدقه شخصی نیست بلکه به لحاظ انتبازی که خداوند به آن بخشیده ذی حق شناخته شده لذا رابطه ای که بین صدقه و صدقه دهنده برقرار میشود به دیگری یعنی صدقه گیرنده تسری پیدا نمیکند و بهمین جهت نیاز به وقوع عقد نمی باشد .

۲- همانطور که امام سجاد (ع) فرموده است ، صدقه ، « برای خود » میباشد و وقوع عقد بین خود و شخص خود معقول نیست .

۳- در عقود (تملیکی و عهدی) قربة الی الله شرط نشده در صورتیکه در صدقه شرط است و همین شرط مهم صدقه را در ردیف عبادات قرار میدهد نه معاملات و معاهدات و قراردادهای .

۴- صدقه ، تملیک مالی به غیر محسوب نمیشود زیرا همانطور که امام سجاد (ع) فرموده است صدقه ، ودیعه و امانت شخص در پیشگاه خداست و چون از طرف صدقه دهنده به صدقه گیرنده چیزی تملیک نمیگردد بلکه حقی است به عهده او ، که ادا میشود پس عقد ، مصداق پیدا نمیکند . و شاید در اینجا نیز درست باشد که به آیه ۱۹ سوره الذاریات استناد کنیم که میفرماید :

۱- جواهر الکلام ج ۲۸ صفحه ۱۲۷ که بولف آن امام المحققین شیخ محمدحسن نجفی متوفی به سال ۱۲۶۶ هجری

قمری است .

(۲) در این باره بعداً بحث خواهیم کرد

ولی اموالهم حق للسائل والمحروم

(متقین در اموال خود برای سائل و محروم حقی قائلند)^۱ .

پس وقتی صدقه دهنده برای نیازمندی در مال خود حقی قائل شود دیگر نیازی نیست که بین او و ذیحق عقدی واقع گردد .

۵- در عقود گرفتن، شاهد برای استحکام عقد و جلوگیری از انکار بعدی رواست در صورتیکه در صدقه اخذ گواه توصیه نشده است بلکه منع آن استنباط میشود زیرا امام زین العابدین (ع) فرموده : **وودیتک التی لاتحتاج الی الاشهاد و نیز به سری بودن صدقه تأکید فرموده :**

... وکان الامر بیتک وینه سراً علی کل حال

۶- قبض در صدقه، قبول در برابر ایجاب محسوب نمیشود زیرا وقتی نیت صدقه دهنده جامه عمل می پوشد، که آنرا بتصرف صدقه گیرنده بدهد. به اعتبار دیگر شرط تحقق صدقه، قبض و تصرف صدقه گیرنده است نه دلیل بوقوع عقد. به جهات مذکور ظاهر صدقه، عقد نیست بلکه امری است عبادی مانند خمس و زکوة و برای صدقه دهنده هم حق رجوع نمی باشد .

آیا صدقه همراه با منت، عقداست؟

گفتیم قصد قربت در صدقه شرط است و به حکم قرآن منت و اذیت صدقه گیرنده، صدقه را باطل میکند اکنون سؤال اینستکه آیا در چنین صورتیکه صدقه از صورت عبادی خارج میشود، به صورت عقد درمی آید؟ و در چنان حالتی آیا حق رجوع برای صدقه دهنده بانی میماند یا خیر؟

بنظر میرسد صدقه همراه با منت گرچه عمل را باطل میکند ولی آنرا به صورت عند در نمی آورد، زیرا منت و آزار است که اجر و پاداش صدقه را از بین می برد نه اینکه خرید صدقه را از هیأت خاص خودش ببندد. بعبارت دیگر صدقه دادن عملی است که برایش از سوی خداوند پاداش تعیین گشته، وقتی این عمل نیکو همراه با منت و آزار گردد کبفر تصدق دهنده، حدف پاداش او میشود. از سوی دیگر معمولاً صدقه دهنده نیتش خود صدقه و عمل خیر است منتها ضمن این نیکوکاری، خطا و گناه هم مرتکب میگردد و عمل او شباهت به زکوة دهنده ای دارد که خود راضی به انجام تکلیف شرعی خود نیست وی مأمور جمع آوری زکات و متصدی اخذ مالیات آنرا با کراه و وصول مینماید که در چنین صورتی گرچه ذمه زکات دهنده بری شده ولی اجر و پاداش الهی از وی سلب میگردد. پس برای صدقه دهنده ای که منت نهاده نه حق رجوع است و نه عمل او عقد محسوب میشود .

آثار عبادی بودن صدقه

اگر صدقه، عقد باشد شرایط اهلیت طرفین را در عقد باید رعایت نمود و ماده ۲۱۱ قانون مدنی در باره اهل بودن میگوید : « برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند » .

اما اگر صدقه را عقد ندانیم اهلیت صدقه گیرنده شرط نخواهد بود . چون در اینصورت

۱- سائل کسی است که سوال میکند و محروم شخصی است که از تلاش جلوگیری شده باشد (تفسیر قمی) .

۲- افعال صدقه از باب تفعل می آید مانند ومنهم من عاهد الله ان لا یمنوا من قبله لئلا یمنوا من الصالحین (توبه-۷۷) و از ایشان کسانی هستند که پیمان با خداوند بسته اند که اگر خدا به ما از فضل و روزیش عطا فرماید البته صدقه خواهیم داد و مسلماً از صالحان و شایستگان خواهیم شد - بنا بر این (تصدق) صدقه دادن معنی میدهد .

به ایجاب و قبول نیازی نیست البته صدقه دهنده باید بالغ ، عاقل ، قاصد و مختار و صاحب مالی باشد که می بخشد اما در طرف دیگر اهلیت شرط نیست مثلاً کسی کودک درمانده و فقیری را برهنه می بیند و بدون مراجعه به ولی قهری ، او را میپوشاند این عمل خداپسندانه چند حسن دارد :

۱- جای منت نهادن باقی نمیماند زیرا بر کودک فقیر، منت نهادن در حالی که فاقد درک این معنی است مورد پیدا نمیکنند .

۲- مراجعه به ولی قهری یا قیم او (اگر داشته باشد) ممکن است موجب تضییع وقت شود و فوریت موضوع را که رفاهائی طفل از سرما یا گرماست منتفی سازد .

۳- مراجعه به ولی قهری یا قیم و دادن صدقه به او برای اینکه صرف طفل نیازمند خود کند موجب شرساری او میشود و یا لاقلاً مجبور به سپاسگزاری خواهد شد که در اسلام همین اندازه تحقیر و تکلف روا نیست .

بهمن قیاس است صدقه دادن و کمک بلاعوض کردن در راه خدا ، به سفیهان و دیوانگان و اشخاص مجبور و چون ، هیچ فرد عاقلی خدمت به درماندگان را از اینکه در نالبد عقدی در نیامده تقبیح نمیکنند باید پذیرفت که صدقه عقد نیست بلکه امر عبادی میباشد راستی اگر مجروحی نیاز فوری به خون یا دارو داشته باشد و کسی بخواهد به چنین درمانده ای فقط بخاطر خدا کمک کند و آن مجروح هم اهلیت قبض نداشته باشد عمل نیکوکار باید ناتمام بماند ؟ یا اگر کمک نمود و بعد پشیمان شد حق رجوع برایش باقی است ؟

اگر معتقد باشیم که صدقه، عقد است وقتی غیر اهل صدقه را قبض نمود مانند اینست که نیت متصدق جامه عمل بخود نبوشیده است ، لذا حق رجوع به صدقه را دارد. اما اگر صدقه ، عقد نباشد همینکه صدقه گیرنده آنرا گرفت و تصرف نمود خواه اهلیت برای قبض داشته باشد خواه نداشته باشد صدقه تحقق پیدا میکند و حق رجوع از متصدق سلب میگردد . و بدیهی است که این نوع اخیر به مصلحت جامعه و رضای خدا نزدیکتر است .

نحله چیست ؟

نثر طوبی^۱ در معنی نحله گفته است : « نحله » (بکسر نون) بخشش و دادن مالی است بدون عوض و آن اخص است از هبه یعنی هر هبه ای نحله هست ولی هر نحله ای هبه نیست و آن اسم یا اسم مصدر است از باب سوم ثلاثی مجرد (علم یعلم) به معنی مهرزن دادن به رضا و رغبت و بی عوض و طلبی .

راغب اصفهانی در مفردات خود احتمال میدهد که زنبور عسل را از آنجهت « نحل » نامند که عطایش بمردم ، که خداوند مقرر فرموده عوض ندارد .

برای اینکه نحله و نحل بهتر شناخته شود سخن بسیار زیبایی را از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل میکنیم .

کن کالنحلة اذا اكلت اكلت طیباً و اذا وضعت وضعت طیباً وان وقت علی عود

لم تکسره

مانند زنبور عسل باش که وقتی میخورد چیز پاکیزه میخورد (شهد کلهها) و چون بجای

مینهد چیز پاکیزه می نهد (عسل) و هرگاه بر چوب نازک خشکی هم بنشیند آنرا نمی شکند

شاید اکنون بهتر بتوان معنی آیه ع سوره نساء را درک کرد که می فرماید :

۱- نثر طوبی یا دائرة المعارف لغات قرآن مجید تالیف مرحوم آیه الله حاج سیرزاد ابوالحسن شمرانی، متوفی به سال ۱۳۵۲ شمسی .

واتوالنساء صدقا تهن نحلة فان طبن لكم عن شي منه نفساً فكلوه هنيئاً مريئاً.

مهر زنان خود را از روی میل بدهید ، و در صورتیکه آنها خود چیزی از مهر را به به شما بخشیدند ، بخورید ، نوش و گوارایتان باد .

صدقه و صدقه (به ضم دال و فتح آن) به معنای مهریه است و مفسران گفته اند صدان و مهریه زن ، بخشش خداوند براوست و برخی هم آنرا فریضه و دین شوهر شمرده اند . ولی با استدلالی که در پیش گذشت و با آمدن صدقه و نحلّه همراه درآیه مورد استناد که تأکید را میرساند صداق زن بخشش خداوند به او میباشد از همین جهت شوهر حق رجوع و دخل و تصرف در آنرا ندارد مگر اینکه خود زن با رضا و رغبت (نه به اکراه و اجبار) تمم یا قسمتی از صداق را به شوهرش ببخشد .

علت اینکه خداوند مهر یا کاین زن را صدقه یا صداق نامیده و بر « نحلّه » بودن آنها تأکید فرموده اینستکه در عصر جاهلیت مهر زن را به اولیای او تسلیم میکردند ، ولی و سرپرست زن نیز آنرا حق مسلم خود میدانست و چیزی به عروس نمی پرداخت و حتی مرسوم بود ، اگر برادری خواهرش را به ازدواج مردی درمی آورد که او هم متقابلاً خواهر خود را به ازدواج وی درمی آورد مهری نمی پرداختند و همین معاوضه ، مهر زنان بحساب می آمد . اما خداوند براین روش ظالمانه خط بطان کشید و برای زن مال بلاعوض و بی منت و آزر (صدقه) تعیین فرمود که شوهر مکلف است آنرا برای اجرای فرمان خدا به زن تسلیم کند و حق رجوع هم به آن نداشته باشد .

احادیثی پیرامون صدقه

در بحث پایانی این مقال چند حدیث از حضرت رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) نقل میکنیم به امید آنکه با افزایش صدقه هم از گرفتاریهای نیازمندان کاسته شود و هم حب مال و ثروت اندوزی که دنیا و آخرت انسان را به خطر می اندازد در جامعه کم گردد .

سخنالی از پیامبر اکرم (ص) ۱

۱ - صدقة السر تطفى غضب الرب

صدقه در پنهانی خشم پروردگار را فرومی نشاند و خاموش میکند .

صدقة البرء المسلم تزيد في العمر و تمنع ميتة السوء و يذهب الله بها الفخر و الكبر

صدقه مسلمان عمر را افزون میکند و از مرگ بد جلوگیری مینماید و خداوند بوسیله آن

فخر فروشی و خودپسندی را می برد

۳ - الصدقة على المسكين صدقة وهي على الرحم اثنتان: صدقة وصلة الرحم

صدقه دادن به مستمند فقط صدقه است و صدقه دادن به خویشاوند دو چیز است: صدقه

دادن و پیوند خویشاوند .

۴ - ما اطعمت زوجتك فهو لك صدقة و ما اطعمت ولدك فهو لك صدقة و ما اطعمت

خادمك فهو لك صدقة و ما اطعمت نفسك فهو لك صدقة

هر چه به همسر خود بخورانی صدقه کرده ای و آنچه به فرزند خویش بخورانی صدقه

کرده ای و هر چه به خدمتکار خود بخورانی صدقه کرده ای و آنچه هم به خودت بخورانی

صدقه کرده ای .

۱ - سخنان پیامبر (ص) از نهج الصالحه و سخنان علی (ع) از غرر العکم انتخاب شده است .

از این حدیث شریف معلوم میشود که : هر مال بلاعوض و بی منتی که برای رضای خدا در اختیار بندگان او قرار گیرد ، هر چند خود بخشنده مال ، از آن بهره‌مند گردد ، پاداش الهی را به دنبال خواهد داشت .

سخنانی از امیرالمومنین علی علیه السلام :

۱- استنزلوا الرزق بالصدقة .

روزی را با صدقه دادن فرود آرید .

۲- صدقة السر تكفر الخطیئة و صدقة العلانية مشرأة فی المال .

صدقه دادن پنهانی گناه را می‌پوشاند و صدقه دادن آشکار در مال می‌افزاید .

در آغاز این نوشتار ، گفتیم در رساله حقوق امام سجاد (ع) مبحثی به « حقوق افعال » اختصاص دارد و چه بجاست که در عصر انقلاب و شکوفائی علوم اسلامی و مسائل دینی ، علمای علم حقوق ، حقوق افعال انسان را که کمتر مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته مورد مطالعه قرار دهند و به جامعه امروز ما ، که تشنه علوم اسلامی است عرضه بدارند . بهرحال ، در اینجا که سخن از صدقه در میان است ، بجاست که بیفزائیم آنکه صدقه میدهد کار نیکی میکند و این کار ، خود ، دارای حق است هر چند سود آن متوجه خود فاعل میگردد . در اسلام همه کارها باید نیکو به انجام برسد و حق کار و فعل ، همان نیکو انجام دادنش میباشد . حال اگر کسی با چنین اعتقادی صبحگاهان بسر کار خود برود و بداند که او شرعاً مکلف است « حق کار » خویش را نیکو ادا کند ، آیا کم‌فروشی ، گرن‌فروشی ، تدلیس ، تقلب در کسب ، احتکار ، کم‌کاری ، بدکاری و ... به وقوع می‌پیوندد ؟ آیا وقت آن نیست که درباره « حق افعال » خود که امام زین‌العابدین (ع) ما را به رعایت آن سفارش فرموده است بیشتر بیندیشیم ؟

در پایان از خدای بزرگ خواهانیم همه مسلمانان را جزء صدقه دهندگان قرار دهد .

والسلام

پرتال جامع علوم انسانی